

۱- زندگی

صادق چوبک داستان‌نویس ایرانی در آمریکا درگذشت. او در پانزدهم تیرماه ۱۲۹۵ خورشیدی در یک خانوادهٔ میانه حال بوشهری چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در مدرسهٔ سعادت از مدارس کهن بوشهر به پایان برد و سپس تحصیلات متوسطه را در شیراز گذراند. برای ادامه تحصیل به کالج آمریکایی تهران راه یافت و در سال ۱۳۱۶ ش. فارغ‌التحصیل شد. چندی به استخدام اداره فرهنگ درآمد و ظاهراً معلمی پیشه کرد. چند زمانی هم برای تحصیل راهی انگلیس و آمریکا شد و پس از بازگشت به استخدام شرکت ملی نفت ایران درآمد. او، اواخر خدمتش رئیس کتابخانه شرکت ملی نفت ایران بود.

چوبک در ۲۵ مرداد ۱۳۱۶ با قدسی چوبک ازدواج کرد و حاصل این ازدواج دو فرزند به نامهای بابک و روزبه بود که ظاهراً در آمریکا سکونت دارند. چوبک آن زمان که در ایران زندگی می‌کرد، چندین بار به خارج از کشور رفت. از آنجا که به زبان انگلیسی مسلط بود در سال ۱۳۴۹ به مدت یک سال در دانشگاه «یوتا» در «سالنت لیک سیتی» به تدریس ادبیات معاصر ایران پرداخت. به سال ۱۳۵۱ در کنفرانس نویسندگان آسیایی و آفریقایی که در قزاقستان برپا شد شرکت کرد. همچنین در کنفرانس جهانی نویسندگان بین‌المللی دانشگاه «هاروارد» جزو دعوت‌شدگان از سوی مسؤولان برگزاری کنفرانس بود. وی پس از بازنشستگی، در سال ۱۳۵۳ به انگلستان و سپس به آمریکا رفت و در آنجا ساکن شد. در ۸ آوریل ۱۹۹۰ میلادی در دانشگاه کالیفرنیا - برکلی توسط گروه بررسی مسائل ایران و بنیاد فرهنگی پر مراسمی در بزرگداشت او برگزار شد. (مجله

و سلیقهٔ او را باید از لابه لای موازین فکری و هنری آمده در آثارش بازجست. ظاهراً به عکاسی علاقه‌ای وافر داشت و تاریخخانه‌ای در خانه برای ظهور و چاپ عکس ساخته بود. علاقه مند به موسیقی ایرانی و کلاسیک بود؛ با شعر نو میانه‌ای خوش نداشت ولی دوستدار نیما یوشیج بود. از دوستان نزدیک صادق هدایت برشمرده می‌شد و با بزرگ علوی و جلال آل‌احمد و پرویز ناتل خانلری حشر و نشر داشت. میعادگاه اینان ظاهراً کافه «فردوسی» بود که در آنجا با هم ملاقات می‌کردند و دربارهٔ مسائل ادبی و فرهنگی ایران و جهان به بحث می‌پرداختند. آنها در این مکان نویسندگان و شعرای جوان را نیز از دیدار و صحبت‌های خود محروم نمی‌کردند. با اینکه نوشته‌اند که چوبک دارای خلق و خوی ملایم و نیکی بود، ولی زیاد معاشرت نمی‌کرد. گاهی نویسندگان و شاعران جوان به دیدارش می‌رفتند و او آنها را با آغوش باز می‌پذیرفت. همیشه با مجلهٔ «سخن» که زمانی صادق هدایت سردبیری آن را برعهده داشت، همکاری می‌کرد و بیشتر داستانهایش هم در این مجله منتشر شد.

۳- آثار و دستاوردهای داستانی چوبک

نخستین مجموعه داستان چوبک در سال ۱۳۲۴ ش. با عنوان «خیمه شب بازی» انتشار یافت (در ۲۹ سالگی نویسنده) که در بردارندهٔ یازده داستان با عناوین زیر بود:

«نفتی»، «گل‌های گوستی»، «عدل»، «زیر چراغ قرمز»، «آخر شب»، «مردی در قفس»، «پیراهن زرشکی»، «مسئول‌یاس»، «رسالهٔ ادب»، «بعدازظهر آخر پاییز»، «یحیی».

میراث داستان نویسنده

دومین مجموعهٔ داستان او با عنوان «انتری که لوطی اش مرده بود» در سال ۱۳۲۸ انتشار یافت و دربرگیرنده سه قصهٔ «چرا دریا توفانی شده بود»، «قفس»، «انتری که لوطی اش مرده بود» و یک نمایشنامه با عنوان «توب لاسیتیکی» بود.

نخستین رمان چوبک در سال ۱۳۴۲ با نام «تنگسیر» منتشر شد و به دنبال آن مجموعه داستان «روز اول قبر» در سال ۱۳۴۴ از چاپ درآمد که دربردارندهٔ ده داستان با عناوین «گورکنها»، «چشم شیشه‌ای»، «دسته گل»، «یک چتر خاکستری»، «پاچه خیز»، «روز اول قبر»، «همراه»، «عروسک فروش»، «یک شب بیخوابی» و نمایشنامهٔ «هفخط» بود.

«چراغ آخر» آخرین مجموعهٔ داستان چوبک بود که در سال

«آدینه»، سال ۱۳۶۹ ش، شماره ۵۱-۵۰ ص ۷۹) او که اواخر عمر به کم‌سوئی دیدگان مبتلا شده بود در جایی گفته بود: «هنوز باور ندارم که بینایی‌ام را از دست داده‌ام.» (مجله «گردون»، ۱۳۷۴ ش. شماره ۴۹-۴۸، صص ۳۷-۴۱)

چوبک سیزدهم تیرماه ۱۳۷۷ ش. پای از دنیای خاکی برکشید.

۲- در حاشیهٔ زندگی

در حاشیهٔ زندگی چوبک نکات زیر برجسته بود: هرگز تن به مصاحبهٔ مطبوعاتی نداد. از این رو اطلاعات دربارهٔ فکر و اندیشه



ی صادق چوبک. یعقوب آژند

اتریشی، «آدمک چوبی» یا «پینوکیو» از کارلو کلودی (در سال ۱۳۳۳ ش)، «اولیس در سرزمین عجایب» از لوئیس کارول، «غراب» از ادگار آلن پو (در مجله «کاوش» در سال ۱۳۳۸ ش) و «مهیاره» از داستانهای عاشقانه هندی (در سال ۱۳۷۰ ش)، از ترجمه و واگردانهای او به زبان فارسی به شمار می‌روند. در سال ۱۳۵۳ امیر نادری از رمان «تنگسیر» او فیلمی به همین نام ساخت که با اقبال عمومی مواجه شد.

۴- سبک نویسندگی چوبک

مجله «سخن» پس از انتشار «خیمه شب بازی» در سال ۱۳۲۴ با معرفی این اثر، ظهور نویسنده بزرگ دیگری را نوید

۱۳۴۴ منتشر شد با نه داستان و یک چکامه. عناوین داستانها به قرار زیر بود:

«چراغ آخر»، «دزد قالباق»، «کفترباز»، «عمرکشون»، «بچه گربه ای که چشمانش باز نشده بود»، «اسب چوبی»، «آتما، سگ من»، «ره آورده» (چکامه)، «پریزاد و پریمان»، و «دوست».

«سنگ صبور» آخرین رمان چوبک در سال ۱۳۴۵ انتشار یافت و چوبک پس از آن رمان و با داستان کوتاهی منتشر نکرد. او در عالم ترجمه هم قلمش را آزمود و آثاری از زبان انگلیسی به فارسی برگرداند. نمایشنامه «پیش از ناشتایی» از یوجین اونیل نویسنده آمریکایی، نمایشنامه ای از آرتور شنیتسلر نویسنده

داد (بخش کتابهای تازه، مجله «سخن»، سال ۱۳۲۴ ش به شماره ۱۱-۱۲، صص ۱۴-۹۱۳) نویسنده‌ای که در همین مجموعه ثابت کرده بود به لحاظ ساختار - و حتی در رویکرد به موضوعات داستانی - مقلد خوبی برای صادق هدایت، سردبیر مجله «سخن» است. با اینکه چوبک با انتشار نخستین مجموعه داستان خویش، خود را مقلد صادق هدایت نشان داده بود، ولی سبکی متفاوت با هدایت داشت که با پیش شخصی نویسنده و بالندگی شخصیت‌های داستانی پدید آمده بود. شخصیت‌های داستانی چوبک در یک فضای طبیعی، اجتماعی، روان‌شناختی در حال کنش و واکنش هستند و همین حال و هوا، آن شخصیتها را بسیار واقعی جلوه داده است. چوبک در داستانهای خود ناظری است خونسرد که در تصویر مسائل اجتماعی کمتر دچار احساسات می‌شود و می‌گذارد وقایع سیر طبیعی خود را پیمایند. از این رو خود داستان باطناً برآمد و نتایج و پیام خود را فرامی‌نماید. او شخصیت‌های خود را از داعیه‌های اخلاقی و اجتماعی و سیاسی عریان می‌کند و با الگوی محاوره و همگویی به تصویر آنها می‌نشیند.

چوبک همچون هدایت از زبان طبیعی و یا به اصطلاح زبان عامیانه بهره می‌گیرد. او حتی در بیان داستانی نیز اصطلاحات و تعابیر این نوع زبان را مغفول نمی‌گذارد. او این حربه را برای رویارویی خواننده با واقعیات اجتماع و کشمکش انسانها در جامعه به کار می‌بندد. گاهی نثر او حالت شاعرانه به خود می‌گیرد و به تصویرسازی می‌افتد. بیشتر داستانهای کوتاه او با بریده‌ای از زندگی افراد و حیوانات سر و کار دارد و فضای آنها کاملاً ایرانی است.

چوبک در کشاکش نور و تاریکی، تاریکیها را بیشتر می‌کاود و گاه امید خویش را در این تاریکیها چال می‌کند. یکی از محققان خارجی داستان کوتاه «دزد قالباق» او را با فیلم نئورئالیستی «دزد دوچرخه» اثر ویتوریو دسیکا مقایسه می‌کند و توصیف گوشه و کنار زندگی و ریزنگاری چوبک را به نگاه «زوم» دوربین مانند می‌کند و فن عبارات کوتاه او را با بهره‌گیری از فیلم سیاه و سفید یکی می‌داند (پیتز چلکونفسکی، «انواع ادبی در ایران معاصر» در کتاب Iran under the Pahlavis، ویراستار: لنچافسکی، انتشارات دانشگاه استنفورد، ۱۹۷۸ م، ص ۳۵۹).

چوبک گذشته از هدایت از همنگویی، فاکتور و هنری جیمز نیز تأثیر پذیرفته است. برخی او را تحت تأثیر مکتب ناتورالیست پنداشته‌اند (رضا براهنی، «قصه‌نویسی»، نشر نو، تهران، ۱۳۶۲ ش.، صص ۵۶۷ به بعد، و نیز جمال میرصادقی، «ادبیات داستانی»، انتشارات شفاء، تهران، ۱۳۶۶ ش.، ص ۶۲۱) و بعضی هم این باور را در بونه تردید نهاده‌اند که ناتورالیسم اعتقاد به فلسفه تحصلی و نفوذ دادن آن در چفت و بست داستان است که چوبک را این‌جامه بر قامت نمی‌زیبد. (محمدعلی سپانلو، «بازآفرینی واقعیت»، انتشارات نگاه، تهران ۱۳۶۸ ش.، ص ۸۱) و آنانی که گمان می‌کنند

چوبک تحت تأثیر ناتورالیسم قرار داشت بر مسائلی چون توجه عمیق به زشتیها و پلیدیها، پوسته‌ظاهری اشیاء، شکستن حرمت کاذب کلمات و مفاهیم، توجه به شخصیت‌های توسری خورده و بیچاره و فراموش شده، قدرت تصویرپردازی صحنه‌ها و شخصیتها، شیوه بیان صریح و خشن و گفت و گوهای دقیق و شخصیتها را مثال می‌آورند. (جمال میرصادقی، همان، صص ۲۷-۶۲۴).

«طرفداران رئالیسم - سوسیالیسم او را منحرف، منحط، ضداجتماعی و بالمآل قلمزنی دانسته یا ندانسته در خدمت سرمایه داری و امپریالیسم خوانده‌اند.» (انورخامه‌ای، مقاله «داستان نویسی صادق چوبک» در «کلک»، سال ۱۳۶۹ ش.، شماره ۴، ص ۱۷۰). «پاره‌ای دیگر او را خداناباور (آنه نیست) دانسته‌اند و برای استدلال خویش، پاره‌هایی از آثار او را مثال آورده‌اند (حسن کامشاد، Modern Persian Prose Literature، انتشارات دانشگاه کمبریج، ۱۹۶۶ م.، ص ۱۲۹). منتقدی او را نویسنده‌ای دانسته که «حسن جهت‌یابی و تناسب را به کلی از دست داده و چیزی برای گفتن ندارد» و مجذوب نویسندگان آزمایشگری مانند جیمز جویس، ویلیام فاکنر، جان دوس پاسوس و تورنئون وایلد است - بی‌آنکه معنی و مفهوم آزمایشگری آنها را دریافته باشد - (نجف دریابندری، «در عین حال» (مجموعه مقاله‌ها) کتاب پرواز، تهران، ۱۳۶۷ ش، ص ۱۰۸).

شاید نگاهی سریع به بنمایه‌ها و شخصیت‌های داستانی چوبک پاسخی قانع‌کننده به برخی از نظرگاهها درباره او باشد.

- | | |
|--------------------|-----------------------------------------------|
| داستان | شخصیت و بنمایه داستانی |
| نفی | ◀ دخترترشیده و فلک زده به دنبال شوهر |
| گلهای گوشتی | ◀ مرد تریاکی + مرگ |
| عدل | ◀ انسان + حیوان + مرگ |
| زیر چراغ قرمز | ◀ انسان فروغلتیده در بدکارگی |
| آخر شب | ◀ بی‌اعتنایی + مرگ |
| مردی در قفس | ◀ انسان + حیوان + مرگ |
| پیرهن زرشکی | ◀ مرده شور + فساد و خشونت روحی + مرگ |
| مسیوالباس | ◀ فقر و غنا و نکبت و بدبختی و ثروت |
| چرا دریا توفانی شد | ◀ زندگی راننده‌ها + بدبختی و فساد + مرگ |
| قفس | ◀ جامعه‌ای اسیر + بدبختی |
| انتری که لوطی اش | ◀ نکبت و سرگشتگی + مرگ مرده بود |
| پاچه خیزك | ◀ انسان + حیوان + مرگ |
| روز اول قبر | ◀ زشتی و پلشتی و گناه + مرگ |
| عروسک فروشی | ◀ دزدی و بدبختی و گرسنگی |
| چراغ آخر | ◀ حقه بازی، گدایی و بدبختی |
| دزد قالباق | ◀ دزدی و درهم ریختگی اجتماعی و فلک زدگی + مرگ |
| کفترباز | ◀ طبقه‌گری و فساد |

اسب چوبی ← زشتی و پلشتی و عقب ماندگی

آتما، سگ من ← انسان + وجدان او

سنگ صبور ← فشرده ای از همه ویژگیهای یاد شده در بالا

۵- چوبک در بوته نقد و نظر

در یک پس نگری کلی می توان ساختار و بافتار و مضامین مورد علاقه و کارستان چوبک را که همه بر ساخته روابط یکدیگرند، به گونه زیر مقوله بندی کرد:

(۱) جهان نگری چوبک آکنده از خردورزی و عقل گرایی است که آجلاً موجب تخریب و انهدام می شود. شاید زمینه بروز و گسترش چنین گرایشی را باید در اندیشه های زمانه او بازجست. بازنمایی جاندار صحنه ها، ریزه کاری، بیطرفی و خونسردی او در گزارش وقایع و فضاهای داستانی، حرکت تند و نیز علیه ناهنجاریهای جامعه (در کسوت گرایشی غیر احساساتی و خشن) فرا نمودن چهره ای تلخ و بدگمان از دگر گونیه و دگرسانیهای جامعه، همه از رویکرد عقلانی او در برابر عاطفه گرایی بحث می کند. خردورزی و عقل گرایی از جنبه های مهم فلسفه تحصیلی یا پوزیتیویستی و یا ناتورالیسم در ادبیات بود. ناتورالیستها در میان چیزهای دیگر، بر کاربرد علم و دستاوردهای علمی در داستان تأکید می ورزیدند و این البته تحت تأثیر محصولات علمی زمانه آنها بود. آنها هنر خود را همچون آینه ای برای انعکاس واقعیت طبیعی انسان زمانه شان به کار می بستند و معتقد بودند شکلهای عینی بر الگوهای آرمانی برتری دارد. زبانی رک و صریح داشتند و علمی سیری ناپذیر برای تصویر جزئیات حرکات و سکانات انسانی. زولا در جهت تحکیم هر چه بیشتر اصول ناتورالیسم تلاش کرد؛ ولی نکته اینجاست که ناتورالیسم با همه تأثیرات همه جانبه اش در ادبیات داستانی، در خودش به آنها رسید. چون در این مکتب، انسان از همه چیز عاری می شد و روحیه انقلابی او رنگ می باخت و به ورطه پوچی سقوط می کرد. وقار و زیبایی و لذت معنوی انسان در تلقی مادی او از پیرامونش رو به انحطاط می گذاشت. آیا سلطه ناتورالیسم زولایی، چوبک را نیز فرو گرفته بود و زمینه ساز چنین بینش و منشی در او شده بود؟

تردیدی نیست که نسیمی از ناتورالیسم در چوبک دمیده شده بود ولی تأثیر آن ذاتی نبود بلکه انضمامی و برگرفتی بود. از این رو گاه در آثار او حالت تصنعی یافت می شد مخصوصاً در رمان «سنگ صبور» او. چوبک در این رمان مشتاق آن است که کنشهای آدمی را با صراحت و قاطعیت در لحظه وقوع بنمایاند. او تحت فشار ذهن و فرآورده های ذهنی خویش، پیکر آدمی را به چرخش و تب و تاب می اندازد و دنیای برین و رمزهای فوق طبیعی را به سخره می گیرد و انسان را فقط گوشت و پوستی فرامی نماید که در لجنزار زندگی مادی فرو رفته است. در قلمرو عقل علمی، خرافات و بی عدالتی و ستم را دیگر جایی نیست. ایمان مذهبی را نیز جایی نیست. امتیازات خاص مهجور و منسوخ می شود و همه چیز بر مدار مادیت می چرخد و ویرانگری

عاداتهای اجتماعی و باورهای سنتی در نقطه اوج قرار می گیرد و انسانها از انسانیت خویش تخلیه می شوند ولی چیزی جای این خلأ را نمی گیرد. چوبک آدمهای خود را از رذایل انسانی عاری می سازد ولی سجایایی به جای آن نمی نشاند تا به پوچی و ورطه حیوانی نلفزند. لذا رمانش حالت تلخ و رنج آور به خود می گیرد و هویت و چستی خود را از دست می دهد.

(۲) مرگ، درونمایه بیشتر داستانهای چوبک را به خود اختصاص می دهد. مرگ وسیله ای است برای بیان انگارهای اجتماعی و گاهی سیاسی جامعه. مرگ در داستانهای هدایت، یک وجه ذاتی است که از درون می جوشد، چنان که زندگی در داستانهای او هم چنین وضعیتی دارد. ولی در داستانهای چوبک، مرگ حالت انضمامی پیدا می کند که از بیرون و با جهان نگری نویسنده تحمیل می شود. چوبک مرگ را در خدمت اعتقاد خود می گیرد و سلطه فکری خود را بدان تحمیل می کند. از این روست که در داستانهای هدایت، مرگ، اگر هم هست یک مرگ طبیعی است همراه با زندگی، ولی در داستانهای چوبک زندگی به عمد تحت الشعاع مرگ قرار گرفته است. نویسنده قصد دارد با فرامودن زشتیها و پلشتی های زندگی و مضامینی از این دست، مرگ را تصویر کند. انگار می خواهد بگوید این گونه زندگی، خود مرگ است، پس زندگی در این جامعه، مرگ است.

(۳) بدبختی و نکبت یکی دیگر از درونمایه های داستانی چوبک است از این رو بیشتر شخصیتهای داستانی او از لایه های فرودست جامعه، افراد توسری خورده و نکبت زده و نوده های فقرزده شهرها و روستاها هستند. چوبک شرایط محنت بار زندگی آنها را در داستانهای خود، گاه با اغراق و بزرگنمایی، زیر ذره بین می گذارد و عواطف و احساسات و غرایز انسانی، کنشها و واکنشهای آنها را فرامی نماید. او جوانب نازیبای جامعه را مدنظر دارد. کار چوبک رونگاری از پدیده های عینی جامعه است.

(۴) چوبک در داستانهای خود از تمثیل و رمز هم بهره می گیرد. او یک نمایشنامه تک پرده ای دارد به نام «توپ لاستیکی» که فضای آن در ایام دیکتاتوری رضاشاه می گذرد. «توپ لاستیکی» چیزی جز تمثیلی از این دیکتاتوری توخالی نیست. دیکتاتوری ای که با شلیک چند توپ از سوی منفقین در شهریور بیست زود ترکید و وحشت برخاسته از آن باد هوا شد. داستانهای «ففس»، «پاچه خیزک»، «روز اول قبر»، «همراه»، «دسته گل» و حتی «انتری که لوطی اش مرده بود» هم بر محور نهاد و رمز تنظیم شده اند. چوبک در هر کدام از آنها جوانب جهل و بدسلوکی بشر را لحاظ می کند و با زبانی نمادین به پرداخت آن می پردازد. داستان «پاچه خیزک» او عالمی از معنی و تمثیل در خود دارد. موشی که برای زنده ماندن در تکاپوست دستگیر و با تدبیر راننده کامیون نفت با نفت آتش زده می شود و با رفتن به زیر کامیون نفت آتش به پا می کند و تبدیل به موشک می شود. این داستان می تواند اعتراضی باشد علیه سوء استفاده

از انسان ایرانی و امکانات او در روزگار دیکتاتوری.

(۵) برای چویک زبان عامیانه و یا زبان طبیعی در کاربرد بیان و گفت و شنود داستانی بسیار ارجحند است. این منزلت گاه حالت اغراق به خود می گیرد و منظره بیانی ویژه ای را خلق می کند. ولی شاید نوآوری و بداعت چویک در این حیطه باشد که با الگوبرداری از هدایت، زبان عامیانه را با وجه و تعبیری هنری به کار می بندد. کاریست این زبان در کار چویک گاه سهل و ممتنع می نماید - که از عهده هر کسی خارج است. - با بهره گیری از همین زبان است که چویک به تصویرسازی می پردازد و گاه به اشیاء جان می بخشد. عامیانه نویسی او تیغ دو دم است و نویسنده اگر نتواند از عهده این کار برآید خود به خود به عوام نویسی می غلتد. او حتی افزون بر گفت و شنوده های شخصیتی، زبان عامیانه را به حیطه بیان داستانی می کشاند و با ارائه تصاویر و عبارات و تعابیر بیطرفانه از افتادن به دام تصنع می گریزد. این نکته یکی از تجارب خوب و ارزنده او در عالم داستان نویسی است.

(۶) چویک در تکنیک و فن داستان نویسی هم جهات متفاوت را می آزماید. او در این فن، داستان نویسی مدرن را مدنظر دارد. در بیشتر داستانهایش قضاوت نهایی را برعهده خواننده می گذارد، کنش را نشان می دهد و واکنش را حق خواننده می داند. زوایای دید متفاوتی را از اول شخص تا سوم شخص و جریان سیال ذهن می آزماید. در «سنگ صبور» از جریان سیال ذهن بهره می گیرد ولی با وارد کردن پاره داستانها از ادبیات کهن، آن را از یکدستی می اندازد. در شخصیت پردازی افراد داستان، بسیار خونسرد و بیطرف است و شخصیت اصلی آنها را با نشان دادن کنش آنها فرامی نماید. چویک بر عناصر داستانی مسلط بود و مهارت خود را به ویژه در داستان کوتاه به ثبوت رساند.

کتاب شناسی

(۱) کتب فارسی

- آزند، یعقوب؛ «ادبیات داستانی در ایران و مسالک اسلامی»، نشر آرمین، تهران، ۱۳۷۳ ش.
- آزند، یعقوب؛ «ادبیات نوین ایران»، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳ ش.
- آزند، یعقوب؛ «کتاب شناسی ادبیات داستانی ایران»، نشر آرمین، تهران، ۱۳۷۳ ش.
- استعلامی، محمد؛ «بررسی ادبیات امروز ایران»، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۶ ش.
- انورخامه ای؛ «چهار چهره»، کتابسرا، تهران، ۱۳۶۸ ش.
- براهنی، رضا؛ «قصه نویسی»، نشر نو، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- دریابندری، نجف؛ «در عین حال» (مجموعه مقاله)، کتاب پرواز، تهران، ۱۳۶۷ ش.
- دست غیب، عبدالعلی؛ «نقد آثار صادق چویک»، چاپار، تهران، ۱۳۵۳ ش.

رکن زاده آدمیت، محمدحسین؛ «دانشمندان و سخن سرایان فارس»، جلد ۲، اسلامیه، تهران، ۱۳۳۸ ش.

سپانلو، محمدعلی؛ «بازآفرینی واقعیت»، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۶۸ ش.

سپانلو، محمدعلی؛ «نویسندگان پیشرو ایران»، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۶۶ ش.

عابدینی، حسن؛ «صد سال داستان نویسی در ایران»، ۲ جلد، نشر تندر، تهران، ۱۳۶۸ ش.

عابدینی، حسن؛ «فرهنگ داستان نویسان ایران»، تهران، ۱۳۷۴ ش.

کسمایی، علی اکبر؛ «نویسندگان پیشگام در داستان نویسی امروز ایران»، تهران، ۱۳۶۳ ش.

کیانوش، محمود؛ «بررسی شعر و نثر فارسی معاصر»، انتشارات رز، تهران، ۱۳۵۵ ش.

میرصادقی، جمال؛ «ادبیات داستانی»، انتشارات شفاء، تهران، ۱۳۶۶ ش.

(۲) نشریات

- «آدینه»، سال ۱۳۶۹ ش. شماره های ۵۱-۵۰، صص ۷۹.
- «کلک»، «انورخامه ای»؛ «داستان نویسی صادق چویک» تیر ۱۳۶۹، شماره ۴، صص ۱۷۳-۱۶۹.
- «بنیاد»، ۴؛ «صادق چویک»، سال اول (خرداد ۱۳۵۶ ش.)، شماره ۳، صص ۵۷-۵۴.
- «ترقی»، تبریزی، علیرضا؛ «سخنی کوتاه درباره صادق چویک»، آذر ۱۳۴۵ ش.، شماره ۱۲۴۲، صص ۱۵-۱۶.
- «چیستا»، ۴؛ «صادق چویک» اردیبهشت ۱۳۷۰ ش.، شماره ۸، صص ۶۵-۹۶۲.
- «آدینه»، دریابندری، نجف؛ «آشتی بر مزاری خفته»، ۱۳۶۹ ش.، شماره ۴۲، صص ۳۵-۳۳.
- «سخن»، ۴؛ «بخش کتابهای تازه»، ۱۳۲۴ ش.، شماره های ۱۲-۱۱، صص ۱۴-۹۱۳.
- «سلام»، صادقی، همایون؛ «نگاهی به داستان نویسی در ایران»، ۱۳۷۱ ش.، شماره ۳۰۱، صص ۱۰.
- «پیام نوین»، ع. د.؛ «هنر طنز در نوشته های صادق چویک»، فروردین ۱۳۴۱ ش.، صص ۱.
- «گردون»، ۴؛ «درباره صادق چویک»، ۱۳۷۴ ش.، شماره های ۴۹-۴۸، صص ۴۱-۳۷.

(۳) کتب انگلیسی

- Iranian Studies, Vol. XV, 1982, No. 1 - 4, PP. 69 - 73.
- Kamahad, Modern persian Prose Literature, Cambridge university, 1966.
- Lenczowski (ed.), Iran under the pahlavis, stanford, 1978.
- Rypka, (ed), History of persian Literature, Leipzig, 1959.